هفت حصار شماره اول/ سال اول/ پاییز ۱۳۹۱
صفحات ۱۲-۵

طراحی فرایند انسجام فضایی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای

محمد اسمعیل اسفندیاری*، حامد رئیسی جلودار**

تاریخ دریافت مقـاله: ۹۱/۵/۲۰
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۷/۱۳

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2024-07-27]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1391.1.1.1.3]

چکیده

یکی از مباحث اساسی در زمینه برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای، تفاوت مناطق در ابعاد مختلف است. پژوهش پیش رو، با تأکید بر ضرورت توجه به ماهیت انسجام منطقه‌ای سعی در معرفی رویکرد انسجام فضایی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای دارد تا بتواند گامی در جهت کاهش ناپایداری‌های موجود و کاهش اثرات سوء ناشی از مدیریت چندگانه و متعدد مناطق بردارد. این پژوهش با هدف تأکید بر رویکرد انسجام فضایی در تکمیل برنامه‌ریزی فضایی پایدار، ارائه چارچوبی برای مشارکت وسیع و تحلیل تضاد میان توسعه‌های اقتصادی و نیازهای حفاظت از منابع را گامی مهم در این راستا می‌داند. پژوهش حاضر در این راه با تشریح عمده‌ترین نظریه‌های مربوط به انسجام فضایی، به ارائه مدل مفهومی در چارچوب فرایند رویکرد انسجام فضایی در برنامه‌ریزی به عنوان نتیجه تحقیق می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی

رویکرد سیستمی، انسجام فضایی، جریان‌های فضایی

* کارشناس ارشد برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران E-mail: esfandiari.162@gmail.com
** دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران E-mail: hamed.reisi@yahoo.com

مقدمه

مکان‌ها به وسیله یک نظام متقابل فضایی با یکدیگر همبستگی می‌یابند و بخشی از یک کالبد با تعامل به شمار می‌روند. مکان‌ها از یک حوزه بزرگ‌تر می‌باشند که از تجمع فعالانه آنها کانون‌هایی تشکیل می‌شود که مراکز و محورهای منطقه را به وجود می‌آورند. می‌توان گفت که مکان‌های زیستی–فعالیتی از نحوه استقرار مکان‌ها، کانون‌ها و محورهایی شکل می‌گیرند که در یک ارتباط درونی با همدیگر، شبکه‌ای از مراکز و محورها را به وجود می‌آورند. بنابراین به محیط‌زیست می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از روابط میان عناصر نگریست که این روابط دارای نظام خاصی هستند. به عبارتی دیگر محیط زیست، حاوی نظم و الگو و ساختی خاص می‌باشد. این گونه روابط اغلب فضایی بوده و اصولاً روابط میان عناصر و مردم بر اساس درجات گوناگون تمایز فضایی تعیین می‌شود. تحقیق پیش رو سعی دارد تا فرایند برنامه‌ریزی با رویکرد انسجام فضایی را به منظور حل مشکلات فرامحلی و در راستای جامع‌نگری در تبیین مسائل منطقه‌ای معرفی نماید.

بیان مسأله

تغییرات منطقه‌ای در شرایط کنونی به منطق جدیدی از توسعه وابسته است. در این منطق، تصویر جدید مناطق اغلب آمیزه‌ای از پیوندها و گره‌ها است. به دنبال رویکرد جهانی شدن، تأکید وسیعی به جهانی فکر کردن و محلی عمل کردن، یکپارچه‌سازی سیاست‌های محلی از طریق اعمال روش‌های هدفمند و نظام‌مند اقتصادی، اجتماعی و محیطی صورت پذیرفت. جابه‌جایی بی‌برنامه مردم، کالاها، سرمایه‌ها، اطلاعات، فناوری، خدمات و تولیدات و توزیع نامتوازن آن در مناطق مختلف، پیامدهای نامطلوبی را در آشفتگی‌های ناحیه‌ای منجر شد. بهره‌برداری نامناسب و بیش از ظرفیت از منابع طبیعی، تخریب و تغییر اکوسیستم‌های طبیعی و تغییر کاربری اراضی، بهره‌برداری بی‌رویه از منابع زیرزمینی، آلودگی‌های زیست‌محیطی، فقدان تعامل مناسب میان زیربخش‌های مختلف حمل و نقل و نابرابری شدید فضایی در نظام خدماتی و نظیر آن‌ها از عمده‌ترین چالش‌هایی است که به رغم وجود قابلیت‌های ممتاز جغرافیایی، طبیعی و اکولوژیکی در سراسر مناطق کشور به چشم می‌خورد. ساختار سنتی مدیریت متعدد و مجزای مراکز زیست و فعالیت توانایی حل مسائل متعدد و درهم‌تنیده مناطق را ندارد. این ساختار سنتی دارای مشکلات اساسی شامل کمبود منابع و انگیزه برای حل مشکلات فرامحلی، ضعف جامع‌نگری در تبیین مسائل منطقه‌ای، و نبود برنامه‌ریزی فضایی یکپارچه است.

پیشینه و خاستگاه رویکرد انسجام فضایی

انسجام فضایی از زمانی که برنامه‌ریزی به عنوان یک نیاز شناخته شده بود پدیدار شد. از پاتریک گدس تا پاتریک ابرکرامبی برنامه‌ریزان نقش مهم انسجام فضایی را در برنامه‌ریزی‌ها و اهداف برنامه‌ریزان درک کرده بودند؛ انسجام شهر با کشور، شهر با پیرامون، شهر با روستا و شهر با منطقه مورد بحث برنامه‌ریزان بود(Mcloughlin,1994). ایده اصلی این رویکرد بر پایه انسجام اقتصادی است که به نظریه همبستگی اقتصادی و اجتماعی برمی‌گردد. سیر تکامل این رویکرد از انسجام اقتصادی آغاز شده و به رویکردهایی از قبیل انسجام اجتماعی، همبستگی اراضی، همبستگی سیاست‌های اجرایی در یک منطقه و سرانجام انسجام فضایی و شناسایی مناطق هم‌عملکردی برای استفاده از پتانسیل‌ها بدون درنظرگیری مرزهای سیاسی اداری رو به تکامل می‌باشد (Brocks,2006). انسجام فضایی اگرچه به عنوان یک نظریه برنامه‌ریزی ظاهر شد ولی از حد یک پارادایم در مباحث تئوری پا را فراتر نگذاشته بود، با این حال وجه اشتراک نظریه‌های برنامه‌ریزی تأکید صریحی بر انسجام مسائل مختلف با دلایل گویا می‌باشد(Healy,1997:7).

تعیین معیارهای انسجام فضایی

یکی از بارزترین کاربردهای این رویکرد در سالهای اخیر در قاره اورپا می‌باشد. اولین سند برنامه‌ریزی فضایی اروپا در سال ۲۰۰۰ به موضوعات تفاوت‌های منطقه‌ای، عدم تعادل فضایی و فقدان وابستگی بین مرزها توجه می‌کرد که اهداف همبستگی اجتماعی–اقتصادی در اروپا را زیر سوال برده بودند. عهدنامه پستدام (۱۹۹۹) در راستای بازتاب این نگرانی‌ها و مسائل اروپا به تصویب رسیده بود. مفهوم انسجام وقتی برای اولین بار در سال ۱۹۹۵ به عنوان مفصل‌بندی فضایی به جنبه‌های پیوندهای فرامرزی توجه داشت به تدریج به یک چشم‌انداز کلان گسترش یافت و در اولین پروژه رسمی (ESDP) چشم‌انداز توسعه فضایی اروپا نمایان شد(Deboe,1999). یکی از جدیدترین مطالعات در این زمینه توسط دوبوای در سال ۱۹۹۹ م، سوکید در سال ۲۰۰۷ م یک چارچوب مفهومی برای انسجام فضایی در برنامه‌ریزی فضایی منطقه‌ای در شمال‌غرب انگلستان تدوین شد(kumar,2002:3). مفهوم و ایده انسجام فضایی (اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) در نهاد اتحادیه

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2024-07-27]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1391.1.1.1.3]

اروپا پی‌ریزی شد که بر نیاز انسجام بین سیاست‌های اجرایی با قلمرو معین بر پایه ابعاد فضایی انسجام و همگرایی، تأکید می‌کرد(Deboe,1999). انسجام فضایی سیستمی از ارتباط جریان‌ها، همگونی‌ها، مجاورت‌ها و قلمروگرایی بین مناطق است که پیوستگی روابط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را شامل می‌شود. سیاست‌های موجود با دیدگاهی کل‌نگر بر فرصت‌های توسعه، تشویق به همکاری و ایجاد شبکه با استفاده از ابزارهای سیاست‌گذاری، به نقاط قوت و ضعف مناطق توجه بیشتری می‌کند و با ارائه راهبردهای فضایی، هماهنگی و همسانی رشد و توسعه را بین مناطق مختلف یک پهنه ایجاد کرده و موجب می‌گردد که هر منطقه با توجه به ویژگی‌های درونی خود و همسویی با نظام حاکم بر کل پهنه رشد و توسعه یابد تا هر منطقه عملکرد و نقش خاصی مبتنی بر قابلیت‌های خویش در سطح پهنه مورد نظر ایفا کند(Faludi,2010). شاخص‌های معمولی در مقیاس انسجام فضایی به سادگی در دسترس نیست. ترکیب تعدادی از شاخص‌های در دسترس در راستای آسان کردن مفهوم انسجام فضایی ضروری است. از هر جهت انسجام فضایی می‌تواند یک معیار ترکیبی باشد؛ ترکیب کردن ابعاد فضایی زمینه‌های مختلف با دیگر معیارها(جدول۱). با تصویب چشم‌انداز توسعه فضایی اروپا (ESDP)، دولت‌های عضو بر سر اهداف و مفاهیم توسعه آتی قلمرو اتحادیه اروپا به توافق رسیدند. هدف از تصویب سیاست‌های توسعه فضایی این است که در جهت توسعه متوازن و پایدار قلمرو اروپا تشریک مساعی شود. از دیدگاه وزرای شرکت‌کننده، مهم اینست که سه آرمان اساسی سیاست اروپایی به طور برابر و همزمان در تمامی مناطق اتحادیه اروپا تضمین شود: اول، همبستگی اجتماعی-اقتصادی؛ دوم، حفاظت و مدیریت منابع طبیعی و میراث فرهنگی؛ و سوم، رقابت‌پذیری متوازن‌تر در قلمرو اروپایی. دورنمای توسعه فضایی اروپا نیز بر اساس همین سه آرمان شکل می‌گیرد که به مجموعه رهنمودهای سیاستگذاری فضایی شامل توسعه نظام شهری چندمرکزی و متوازن و روابط نوین شهری-روستایی؛ تضمین برابری دسترسی به زیرساخت‌ها و دانایی؛ و توسعه پایدار و مدیریت محتاطانه میراث طبیعی و فرهنگی منجر می‌شود(صرافی، ۱۳۹۰).

جدول ۱. شاخص‌های در دسترس موضوعی مورد بررسی در برنامه‌ریزی توسعه فضایی اتحادیه اروپا مأخذ: ESDP, 2000

معیار	موضوع	شاخص‌های موضوعی ممکن
حوزه واقعی روابط	جریان انسان	الگوها و جریان‌های مسافرت روزانه
		الگوها و جریان‌های مهاجرت
		حرکات مسافر به‌وسیله ریل، هوایی، دریایی و جاده
		موانع تأثیرگذار بر حمل و نقل در مسافرت بین شهرها
	جریان کالا	حمل و نقل کالا
		موانع حمل و نقل کالا
	جریان اطلاعات	ترافیک تلفن
		ترافیک اینترنت
	جریان مالی و اعتباری	جریان‌های مالی
		روابط بازرگانی
		مکان‌یابی سرمایه گذاری داخلی
توانایی روابط کالبدی و عملکردی	فعالیت‌های مکمل	مراکز استخدامی و اشتغال و نواحی تحت پوشش
		خرده فروشی‌ها و نواحی تحت پوشش آن
		مکان‌یابی و ناحیه تحت پوشش خدمات تجاری
		مکان‌یابی سرمایه گذاری داخلی
		دوره‌های آمارگیری
	سازمان فضایی موجود	حوضه‌های آبریز
		مناطق بزرگ طبیعی و مناطق حفاظت شده
		ساختارهای فرهنگی مناطق
		شهرهای متصل به‌وسیله حمل و نقل عمومی
	زیرساخت‌های حمل و نقل	عوامل جغرافیایی و موانع طبیعی موثر بر شبکه حمل و نقل
		پروژه‌های در حال ساخت
		تراکم شبکه حمل و نقل
		زیرساخت‌های حمل و نقل و سریع برون منطقه‌ای
		قیود محدود کننده حمل و نقل در گره گاهها
		رینگهای منطقی
		ارتباطهای چند وجهی
		ارتباط بین سیستم حمل و نقل در سطوح مختلف
		فاصله از فرودگاه، ایستگاه قطار و بندر
		وسایل ارتباطی
	زیرساخت‌های ارتباطی	تلفن‌های ثابت و همراه
		کامپیوتر و اینترنت

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2024-07-27]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1391.1.1.1.3]

معیار	موضوع	شاخص‌های موضوعی ممکن
شرایط پشتیبان روابط	سازمان سیاسی و مدیریتی	مناطق رقابتی سیاسی
		مرزهای مدیریتی و برنامه‌ریزی
		تغییرات در سازماندهی مدیریت در مقیاس‌های مختلف
		تعداد دفاتر مدیریت مردمی و خدمات آن
		تعداد سازمان‌های مردمی دولت مرکزی برای تمرکز زدایی
		درصد شاغلین در بخش دولتی
		تنوع در وضع قوانین اجتماعی-مالی
	ستیزهای سیاسی فرهنگی	پیروان احزاب مختلف سیاسی ملی
		فراوانی انتخاب
		کناره گیری‌های سیاسی
		اختلافات زبانی و فرهنگی
		توسعه هویت منطقه‌ای
	میل به همکاری	برنامه‌ها و پروژه‌های مشترک
		جریان‌های مرتبط بالقوه
همکاری موثر و کارا	ساختارهای همکار	قراردادهای بین نهادهای منطقه‌ای در سطوح مختلف
		قراردادهای مدیریتی فراتر از مرزهای منطقه
		شبکه‌های شهری و منطقه‌ای همکار
		طرح‌های همزاد(برادرخوانده، خواهرخوانده)
	پروژه‌های همکار	انجام عملیات فرامنطقه‌ای و درون منطقه‌ای
		سرمایه گذاری‌های ملی در برنامه‌های عملیاتی

انسجام فضایی می‌تواند به اشکال زیر قابل تشریح باشد :

انسجام بخشی: این شکل از انسجام فضایی مربوط به سیاست‌های عمومی متفاوت و مجریان مرتبط با آن در مناطق مختلف می‌باشد که می‌تواند به دو گروه (انسجام بخشی متقاطع و انسجام درون‌نهادی) دسته‌بندی شود. انسجام بخشی متقاطع بیان‌گر انسجام همه سیاست‌های عمومی دورن یک منطقه و انسجام درون‌نهادی بیان‌گر انسجام بین نهادهای عمومی، خصوصی و نهادهای داوطلب در یک منطقه است.

انسجام منطقه‌ای: انسجام منطقه‌ای وقتی اتفاق می‌افتد که دامنه سیاست‌های عمومی بین مناطق مختلف متفاوت باشد. عبور از مرزها مساله‌ای است که این نوع از رویکرد برنامه‌ریزی آن را حل کرده است. انسجام عمودی، انسجامی بین مقیاس‌های مختلف برنامه‌ریزی فضایی است و انسجام افقی، بیان‌گر انسجام بین فعالیت‌های برنامه‌ریزی فضایی مناطق همجوار یا مناطقی دارای اشتراک می‌باشد. هدف کاهش اثرات منفی توسعه براساس میان‌کنش‌ها و همکاری‌های منطقه‌ای است.

انسجام سازمانی-نهادی: همکاری‌ها و مشارکت بین طرفین و تمایل آنها برای همکاری سه نوع دارد. نخست، انسجام راهبردها از قبیل انسجام برنامه‌ریزی فضایی با دیگر راهبردها، برنامه‌ها و عملیات در یک منطقه؛ دوم، انسجام عملیاتی از قبیل انسجام برنامه‌ریزی فضایی با مکانیزم تحویل و همه نهادهای وابسته به آن؛ سوم، انسجام ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان از قبیل انسجام هیئت‌ها و ذی‌نفعان مختلف در یک منطقه.

انسجام اجتماعی: صرف‌نظر از انسجام بخشی، انسجام منطقه‌ای و انسجام نهادی شکل دیگری از انسجام وجود دارد. این نوع از انسجام وظیفه ارتباط جهانی با مهاجرت‌های مردم را برعهده دارد. شهر و مناطق توسط مردم در ارتباط، مورد تصرف قرار گرفته است. تنوع مذاهب، طبقات (گروه‌های قومی) منجر به اختلاف در متن وابستگی منطقه‌ای شده است. هر دو نوع اختلاف، رابطه عمیقی با برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دارند زیرا این تفاوت‌ها اجتماعی و دارای تجلی فضایی هستند. فضا و مکان این تفاوت‌ها موجب نگرانی مهم برنامه‌ریزان شده است(kumar ,2002:17)(جدول ۲).

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2024-07-27]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1391.1.1.1.3]

جدول ۲. اشکال مختلف رویکرد انسجام فضایی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای مأخذ: kumar, 2002

نوع انسجام فضایی	دسته بندی نوع	تعریف دسته	عینیت در برنامه‌ریزی منطقه‌ای
انسجام بخشی	انسجام متقاطع	انسجام سیاست‌های عمومی متفاوت در درون یک منطقه	هم‌افزایی بین سیاست‌های عمومی درباره مسائل مسکن، قدرت، انرژی و حمل و نقل
	انسجام درون‌نهادی	یکپارچگی بین فعالیت‌های بخش خصوصی عمومی و داوطلب	وابستگی بین فعالیت‌های بخش عمومی، خصوصی و داوطلب
انسجام منطقه‌ای	عمودی	انسجام بین فعالیت‌های مختلف در سطوح و شدت‌های متفاوت	همگرایی سیاست‌های برنامه‌ریزی در سلسله مراتب برنامه‌های توسعه در سطوح و مقیاس‌های مختلف
	افقی	انسجام سیاست‌های متفاوت بین یک منطقه با مناطق مجاور یا دارای اشتراک	همگرایی سیاست‌های فضایی دهلی با مناطق مجاور یا مناطق مشترک
انسجام سازمانی نهادی	راهبرد	انسجام برنامه‌ریزی فضایی با دیگر برنامه‌ها راهبردها و سیاست‌های درون یک منطقه	انسجام سیاست‌های اجرایی با سیاست‌های زیرساختی نهادهای مختلف تحت نظارت دولت مرکزی
	عملیاتی	انسجام برنامه‌ریزی فضایی با دیگر برنامه‌های اجرایی و مکانیسم‌های درون یک منطقه	انسجام مکانیزم‌های آژانس‌های خدماتی ملی (آب-انرژی-تحصیل)
	ذی نفعان	انسجام نظام‌های مختلف و ذی‌نفعان در یک منطقه	همکاری بین ذی‌نفعان منطقه
انسجام اجتماعی	انسجام طبقاتی و مذهبی	انسجام طبقات مردمی و مذهبی در یک منطقه	انسجام سیاست‌های فضایی برای ایجاد فضاها و مکان‌های فراگیر برای گروه‌ها، احزاب و ادیان مختلف
	انسجام قلمرویی	انسجام گروه‌های مهاجر مختلف در یک منطقه	انسجام کوچنده‌ها و مهاجران به عنوان جمعیت اصلی شهرهای مادر
	انسجام ناحیه‌ای	انسجام نواحی فقیر و غنی	انسجام مناطق در حال رکود با مناطق شناور غنی برای رسیدن به رشد متعادل اقتصادی

تحلیل معیارها

پس از بررسی و شناخت کامل رویکرد انسجام فضایی و نیز دلایل روند شکل‌گیری آن در فصول گذشته، همچنین کاربردهای مختلف آن و دیگر موارد به طور تفصیلی، در این قسمت تلاش می‌شود تا روش‌ها و مکانیزم‌های اجرایی این رویکرد با استفاده از تجارب گوناگون مورد بررسی قرار گیرد. در واقع هدف این تحقیق ارائه شیوه عملی و اجرایی رویکرد انسجام فضایی و یافتن روش مناسب استفاده از این رویکرد جهت توسعه پایدار صورت پذیرد. پس از بررسی دیدگاه‌ها و نظرات برنامه‌ریزان و سابقه به‌کارگیری مفهوم انسجام فضایی در متون و در موقعیت‌های مختلف، تدوین و طراحی چارچوب استفاده از این رویکرد در برنامه‌ریزی منطقه‌ای احساس می‌گردد تا در ساختاری منسجم و به هم پیوسته که از لحاظ روندی پشتیبان مفهوم ماهوی این رویکرد باشد، بتوان به میزان همبستگی(با توجه به مفهوم شناختی این رویکرد) دست یافت. این ایده، نه تنها در حوزه‌های همگن موجود، نظمی پرمعنا می‌بخشد، بلکه پیامدهای ناشی از شناسایی پتانسیل‌های بالقوه چه در زمینه پیوندی و چه در حوزه عملکردی فرادست، محقق را در جهت رسیدن به اهداف پژوهش خود، یاری می‌رساند. بنابراین فرایند تدوین این رویکرد به طور کل به سه بخش اصلی شناخت روابط فضایی، تحلیل فرایندهای فضایی و برنامه پیشنهادی تقسیم‌بندی می‌شود.

پس از بررسی‌های روابط فضایی و مشخص نمودن فضاهای دارای تشابه و مکمل بودن به بررسی میانکنش‌های فضایی سکونتگاه‌های منطقه پرداخته می‌شود. سپس زمینه‌های مجاورت فضایی بر اساس دو معیار فاصله در زمان و هزینه و پس از آن زمینه‌های مجاورت

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2024-07-27]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1391.1.1.1.3]

قلمرویی یا وابستگی‌های فضایی در سه بعد وابستگی عملکردی و وابستگی ساختاری تعیین می‌شود. در ادامه به بررسی زمینه‌های مجاورت شبکه‌ای در قالب سلسله مراتب شهری و روابط بین منطقه‌ای پرداخته می‌شود. باید عنوان نمود که هر کدام از عناصر مورد بررسی، دارای اهمیت می‌باشند و ظرف نهایی تلفیق این عناصر، به محقق در ارائه الگوی مناسب جهت ارزیابی و انتخاب نحوه همبستگی‌ها و تقویت انسجام کمک می‌کند(نمودار ۱).

نمودار ۱. فرایند تدوین الگوی نظری رویکرد انسجام فضایی مأخذ: نگارندگان

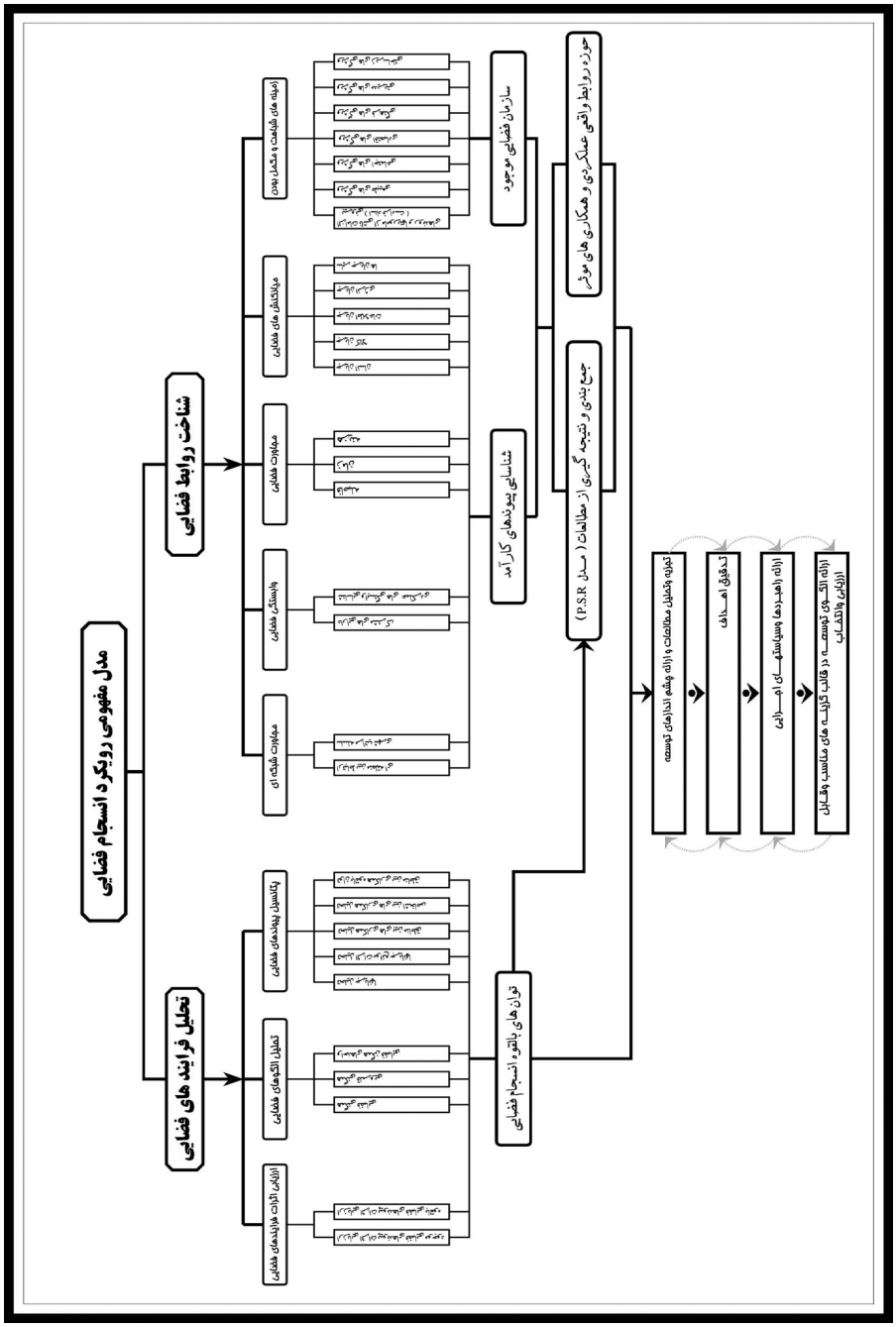

متغیرها و روشهای مختلفی در فرایند فوق جای می‌گیرند که به فراخور موضوعات مختلف قابل تغییر و تبدیل می‌باشند. لذا متغیرها و اهداف هر بخش در فرایند تحلیل انسجام فضایی را بر این اساس می‌توان به صورت عام نشان داد(جدول ۳).

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2024-07-27]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1391.1.1.1.3]

جدول ۳. اهداف، متغیرها، روش‌ها و ابزار قابل استفاده در بخش‌های مختلف فرایند انسجام فضایی مأخذ: نگارندگان

زمینه	بخش	هدف	متغیر قابل استفاده
شباهت و مکمل بودن	الزامات ناشی از مأموریت‌ها و روندهای بیرونی(اسناد فرادست)	شناسایی مأموریت‌های بیرونی همسان و مکمل منطقه	راهبردهای اسناد ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای
	محیطی طبیعی	مشخص نمودن وضعیت همسانی و مکمل بودن محیط طبیعی	اقلیم، آب و هوا، خاک، پوشش گیاهی، منابع آب، زمین‌شناسی، خطرپذیری محیطی و غیره
	اجتماعی فرهنگی	تشخیص پهنه‌های اجتماعی و فرهنگی همگن	سواد، تحصیلات، سرمایه اجتماعی، آداب و رسوم و غیره
	اقتصادی	شناسایی عناصر و عوامل اقتصادی مشترک بین مناطق	درآمد سرانه، شاغلان بخش‌های اقتصادی، همگرایی اقتصادی
	مدیریتی سیاسی	شناسایی هماهنگی نظام مدیریتی و مرزهای سیاسی	مرزهای اداری سیاسی مشترک، شناسایی نخبگان مدیریتی، سیاسی ملی منطقه‌ای مشترک، نوع مدیریت منطقه
	زیرساختی	شناسایی شریان‌های حیاتی اصلی مشترک بین مناطق	زیر ساخت‌های برق، آب، گاز، ارتباطات مشترک بین مناطق، دسترسی‌های مشترک منطقه‌ای و غیره
میانکنش‌های فضایی	جریان انسان	تشخیص شدت و الگوی جریان جابه‌جایی انسان	مهاجرت‌های روزانه مسافر، سفر درون استانی، مهاجرت‌های فصلی گردشگری
	جریان کالا	تشخیص شدت و الگوی جریان جابه‌جایی کالا	جابه‌جایی کالا در بین مناطق
	جریان اطلاعات	تشخیص شدت و الگوی جریان جابه‌جایی اطلاعات	ترافیک تلفن، ترافیک اینترنت، غیره
	جریان انرژی	تشخیص شدت و الگوی جریان جابه‌جایی انرژی	شبکه برق مشترک، شبکه گاز و آب مشترک
	جریان‌های مالی و اعتباری	تشخیص شدت و الگوی جریان مالی و اعتباری	مکانیابی سرمایه گذاری‌های داخلی، حواله‌های بین بانکی
مجاورت فضایی	فاصله	پهنه‌بندی فاصله در هزینه	هزینه رفت و آمد
	زمان	پهنه‌بندی فاصله در زمان	ماتریس زمان سفر
وابستگی فضایی	دارایی‌های مشترک	شناسایی دارایی‌های مشترک بین مناطق	دارایی‌های مشترک طبیعی (جنگل، دریا و غیره)، دارایی‌های مشترک انسانساخت(چاه‌های آب مشترک، محورهای دسترسی و غیره)
	وابستگی عملکردی و ساختاری	بررسی نظام وابستگی عملکردی - ساختاری	همگرایی اقتصادی، روابط اداری با مرکز، غیره
مجاورت شبکه‌ای	ارتباط بین منطقه‌ای	بررسی نظام روابط عملکردی خارج از مناطق	سلسله مراتب فرامنطقه‌ای، نظام اداری ملی
	سلسله مراتب شهری	شناسایی ساختار سلسله مراتب شهرهادرمناطق	جمعیت شهری مناطق

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2024-07-27]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1391.1.1.1.3]

نتیجه‌گیری

انسجام فضایی بر اساس رویکردی سیستمی به ترکیب تحلیل‌های ساختارهای فضایی(شناسایی فرصت‌ها و روابط بین مکان‌ها)، تحلیل روابط فضایی (شناسایی سطح تأثیر روابط) و تحلیل فرایندهای فضایی (ارزیابی اثرات روابط) می‌پردازد. به طور کلی انسجام فضایی با سیستم‌های فضایی در ارتباط است. سیستم‌های فضایی می‌توانند سازماندهی‌های متفاوتی از مناطق تصویر کنند.

نقطه آغازین تحلیل انسجام فضایی، شناسایی واحدهای منطقه و تعریف زمینه‌های مختلفی است که روابط بین واحدهای منطقه‌ای را تشریح می‌کنند. جایگاه انسجام فضایی در شاخص‌های فضایی یک منطقه، بر اساس الگوی فضایی جریان‌ها، توانایی همکاری، مکمل بودن و پیوندهای کارامد از مسائل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی پشتیبانی می‌کند. هدف نهایی رویکرد انسجام فضایی تولید یک محصول و برنامه جامع منطقه‌ای نیست، بلکه ایجاد پیوند و اتحاد میان تحلیل‌های فضایی با برنامه‌های بخشی و اقتصادی به منظور بهبود بخشیدن به تصمیم‌گیری‌های مکانی بر پایه استمرار و پویایی است. تحقیق حاضر، در نظر داشت با توجه به هدف مطرح شده در ابتدای امر که توجه به رویکردی پیوسته در قالب‌های محلی و نتیجه‌گیری بهینه در سطوح فرادستی نظیر منطقه و کشور می‌باشد، دست یابد. در این ارتباط، تنوع متون مربوط به رویکرد انسجام، که در حوزه‌های مختلف، دارای بعد معنایی و روند کاری خاص خود می‌باشد، چارچوبی منسجم و یکپارچه طراحی‌شده را در خود می‌طلبید. بر این اساس، با بررسی متغیرهای مربوط به این ایده و با افزودن و یا تعدیل در برخی از قسمت‌ها و بخش‌های دست‌یابی به این رویکرد، دستورکاری جهت بررسی میزان انسجام فضایی با طراحی چارچوب فرایندی صورت پذیرفت. امید است با توجه هرچه بیشتر به این موضوع، در برنامه‌ریزی منطقه‌ای، از چندپارگی‌های فضایی در تصمیم‌گیری‌ها جلوگیری به عمل آید و هر حوزه از حوزه‌های فعالیتی در سطح منطقه بتواند در آینده نقش مرتبط و پویا با سایر حوزه‌ها را به خود ببیند.

فهرست مراجع

۱. صرافی، مظفر، (۱۳۷۷)، **" مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای"**، سازمان برنامه و بودجه، تهران.

۲. صرافی، مظفر، (۱۳۹۰)، **" سمینار دوره آموزش آمایش و توسعه فضایی"**، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، تهران.

3. Brocks S., Schulitz A. (2006) **INCORD-Project is part-financed by the European Union** ,Integrated Regional Development Concepts

4. Deboe D., Hanquet M.(1999), **study programme on european spatial planning** ,strand 1. 4 , Spatial integration.

5. ESDP (2002), **European Spatial Development Perspective**, European programma study.

6. Faludi, A. (2010). **Cohesion, Coherence, Co-operation: European Spatial Planning Coming of Age**? Delft University of Technology, The Netherlands.

7. Healey, P. (1997) **Collaborative Planning - Shaping places in fragmented societies**, Macmillan Press, London.

8. Kumar, A. (2002) **a framework for spatial integration in planning**,institute of town planning planners joutnal, india.

9. McLoughlin, J. B. (1994) **Centre or periphery?** ,Town planning and spatial political economy, Environment and Planning A, Vol. 26, No. 1111-1122.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2024-07-27]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1391.1.1.1.3]